

معنی لغات درس سرود ملی

اهتزاز: جنبیدن و تکان خوردن چیزی در سر جای خودش، مثل تکان خوردن پرچم و شاخه های درخت افق: کرانه ی آسمان ، خطی که به نظر می رسد در محل تقاطع زمین و آسمان وجود دارد.

خاوران :مشرق محل درخشش خورشید

مهر خاوران : خورشید درخشان که از شرق طلوع می کند.

حق باوران: کسانی که به حق و حقیقت باور دارند دینداران، خدا شناسان

فرّ: شکوه و جلال

فروغ: روشنایی، پرتو نور ،درخشششورانگیز : ایجاد کننده هیجان، هیجان انگیز

موزون: خوش آهنگ ،آهنگین ، متناسب

ایثار : دیگری را بر خود ترجیح دادن، گذشت کردن از حق خود، از خودگذشتگی

سخت کوشی: تلاش و کوشش بسیار

ضامن :کسی که مسئولیت کار شخص دیگری را برعهده گیرد.

پاینده: پایدار ،همیشه، جاوید

پایندگی: همیشگی، جاودانگی، پابرجا بودن

عنبر نسیم: خوشبو

خرّم: شاداب ، باطراوت، سرسبز

اندرون : داخل ،درون

استقلال : خودکفایی، روی پای خود ایستادن

افتخارات: چیزهایی که باعث بالیدن به خود می شود.

نواختن: به صدا درآوردن ساز موسیقی

روحیه : احساسات درونی و روانی یک فرد

معنی لغات شعر ای ایران

گوهر: مروارید و هر سنگ قیمتی مانند الماس

گُهر : مخفف گوهر

سنگ خاره : نوعی سنگ سخت

پیشه: شغل ، حرفه

دُر: مروارید درشت

ایزد: پروردگار

پیکر : جسم

سرشتن : مخلوط کردن چیزی با چیز دیگر، آغشتن

سرشته: مخلوط شده با چیزی، آغشته